





تاریخ تولد حضرت خدیجه

ام المؤمنین خدیجه کبری، اولین همسر فداکار رسول خدا ﷺ و نخستین بانوی مسلمان و مادر مهربان حضرت زهرا علیها السلام است.

ایشان به اعتقاد بسیار از مورخان، ۶۸ سال پیش از هجرت در شهر مکه ولادت یافته است. (طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۳۲؛ الاعلام، قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، ص ۲، ج ۲، ص ۳۰۲). ولی گروهی دیگر بر این باورند که آن بانو ۵۶ سال پیش از هجرت به دنیا آمده است. (خدیجه کبری علیها السلام، ص ۷).

خدیجه ۶۵ سال پیش از هجرت پیامبر در خاندانی بزرگ و بزرگوار دیده به جهان گشود و با اخلاق پسندیده و با صفات برجسته تربیت یافت و به اندیشمندی و تیزهوشی و پاکدامنی و درستکاری آراسته گردید؛ تا آنجا که در روزگار تیر و تار جاهلیت از آن بانوی کمال در میان قبیله و جامعه مردم شهرش به عنوان طاهره یا دخت پاک منش و پاک روش یاد می شد. (فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، ص ۱۸۷؛ فروغ آسمان حجاز، ص ۴۰).

خدیجه دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی قرشی اسدی، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر فرزندان آن حضرت بود که در سال ۶۸ قبل از هجرت (۱۵ سال قبل از عام الفیل) به دنیا آمد. (محدثات شیعه، ص ۱۵۷؛ اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۸؛ موسوعه حیاة الصحابیات، ص ۳۲۵).

عده ای می گویند که میلاد رسول اکرم در همان واقعه «عام الفیل» اتفاق افتاده می توان پی برد که خدیجه پانزده سال بزرگتر از پیامبر بوده است. محمد بن عمر واقدی می گوید ما و همه اهل علم که پیش ما هستند معتقدیم که خدیجه پانزده سال پیش از سال فیل زاده شده و او هنگامی که پیامبر با او ازدواج فرموده است چهل ساله بوده است. (الطبقات الکبیر، فارسی، ج ۸، ص ۱۲ و ۱۳؛ زوجات النبی و اولاده، سیره و تاریخ، ص ۵۴). ان شاء الله در مبحث ازدواج خواهیم آورد که سن حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج ۲۵ سال الی ۲۷ سال بوده است.

تجارت و ازدواج و تجارت در تابستان و زمستان

رسول خدا صلی الله علیه و آله سالهای دوران جوانی را کم کم پشت سر می گذاشت و گرچه دست تقدیر او را برای هدف بزرگتر و عالی تری که نجات و سعادت بشریت در آن نهفته بود پرورش می داد ولی پیش از آن که به مقام نبوت رسیده و به رهبری جهانیان برخیزد مانند سایر مردم از انجام امور مربوط به کسب معیشت و تشکیل خانواده ناگزیر بود. تجار و بازرگانان مکه برای تجارت در سال دو مرتبه به خارج از عربستان مسافرت می کردند تابستان ها به شام و زمستان ها به یمن روانه می شدند که در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است. «لایلاف قریش ایلافهم رحله الشتاء و الصیف». (رحمت عالمیان، ص ۱۴۱).

ثروت خدیجه سرمایه او در تجارت

خدیجه زنی عاقله و ثروتمند بود که مردان با سرمایه و مال او تجارت می کردند. (معارف و معاریف شامل احکام، اخلاق، تاریخ، علوم، اعلام و اصطلاحات اسلامی، ج ۲، ص ۸۵۶).

خدیجه که وصف «محمد بن عبدالله» جوان محبوب مکه را به عنوان «محمد امین» شنیده بود، شخصاً از «محمد» خواست به دیدن او برود، وقتی «محمد» آمد. خدیجه گفت: آنچه موجب شده است من شیفته ی تو شوم و مهر و محبت تو را صادقانه به دل گیرم، صاقت و امانت و اخلاق ستوده ی تو است. به همین جهت حاضرم سرمایه ای دو برابر آنچه به دیگران می دهم در اختیار بگذارم تا شخصاً اقدام به تجارت کنی. علاوه دو غلام خود را نیز به تو می سپارم تا در این سفر تجاری همراه تو باشند و در کارها تو را یاری نمایند.

خدیجه به غلامان خود دستور داد کاملاً تحت فرمان «محمد» باشند، و هنگام بازگشت هر چه از وی در سفر دیده اند، گزارش دهند.

«محمد» با مال التجاره ی خدیجه همراه سایر بازرگانان مکه راهی سفرشام شد در این سفر همه ی تجار سود بردند، به خصوص «محمد» که بیش از دیگران سود برد. در بازگشت «میسره» غلام خدیجه به وی از کارهای محمد در سفر جویا شده بود، گفت: تمام کارهای او حساب شده و منظم و بر اساس عقل و درایت است. میسره توضیح داد که وقتی یکی از تجار از محمد خواست به دو بت «لات» و «عزی» سوگند یاد کند، محمد گفت: «چیزی در نزد من پست تر از لات و عزی نیست». (تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، ص ۶۹).

طبری و دیگران نوشته اند که چون راستگویی و امانت و خوش خلقی رسول خدا صلی الله علیه و آله که زبانزد همگان بود به گوش خدیجه هم رسید کسی را نزد آن حضرت فرستاد و به او پیشنهاد کرد که با غلام او میسره برای تجارت به شام رود و در عوض سهمی بیشتر از دیگران دریافت دریافت کند رسول خدا این موضوع را به اطلاع عم خود ابوطالب رسانید او نیز گفت: هذا رزق قد ساقه الله الیک؛ یعنی انی کار موجب روزی و رزقی است که خداوند آن را به سوی تو کشانده است. (طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۰).

اما مقصود خدیجه از فرستادن آن حضرت به شام برای این نبود که از وجود و امانت وی فقط برای ازدیاد ثروت خویش از راه تجارت استفاده کند بلکه در نتیجه ی اطلاعاتی که قبلاً درباره ی آینده ی او به دست آورده بود از نظر معنوی و روحانی شیفته ی وجود آن جناب گردیده بود زیرا خدیجه نیز مصاحبه او را با بحیرا در سفر اول که همراه عمویش ابوطالب عازم شام بود شنیده و می دانست که چه آینده ی درخشانی در انتظار اوست و علاوه بر آن جسته و گریخته از جاهای دیگر نیز اطلاعاتی به دست آورده بود. (رحمت عالمیان (حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه و آله)، ص ۱۴۳).

ثروتمندترین زن روزگار

غالب مردم شهر مکه، به حرفه تجارت اشتغال داشتند، و عزت و قدرت در آن شهر، از آن کسانی بود که ثروت و مکنت داشتند، گرچه در قبیله خود، از نظر تعداد نفرات کم بودند یا زیاد، در آن جامعه اولویت با ثروتمندان بود، تا جایی که برای رسیدن به ثروت از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند، حتی اگر به قیمت خوردن مال یتیم و ضعیف و یا گرفتن ربا بود، تعرض به غریبه ها و خوردن اموال ضعفاء به حدی رایج شده بود که عده ای از اهل انصاف جمع شدند و گروهی را تشکیل دادند به نام «حلف الفضول»، که در آن هم پیمان شدند



با دقت نمودن به این جمله: «ازید من ثمانین الف جمل»؛ بیش از هشتاد هزار شتر، روشن می شود که باز هم آمار دقیقی از تعداد شتران تجاری آن حضرت در دست نیست و گمان ها به بیش از هشتاد هزار می رود، و هنگامی که توجه کنیم به مسئله نگهداری و رعایت این شتران و تعداد غلامانی که متصدی این کارها هستند، پی به ظاهری از ثروت حضرت خدیجه علیها السلام می بریم، و این فقرات، نشانگر تجارت جهانی آن حضرت بوده که در شهرها و کشورهای مختلفی چون مصر و حبشه تجارتخانه داشتند و این دلالت بر قدرت بالای مدیریتی حضرت خدیجه علیها السلام دارد و آن نیز ناشی از دانش وسیع آن بزرگوار می شد، که با سنی جوان، آن حضرت، از نبوغ فوق العاده ای برخوردار بودند، حقیقتاً او زنی عادی نبوده است. و دیگر نیازی به توضیح نیست که حفظ ارتباط با نیروهای تجاری در آن زمان، و حسابرسی مرتب به داد و ستد و سودهای حاصله از آن، چقدر توان و احاطه می طلبد، که یک زن در سن جوانی، تمام آن صفت های عالی را، آن هم به بهترین و عالی ترین شکل ممکن دارا باشد که او را به برترین فرد مکه مبدل سازد.

(د) کان لخدیجه علیها السلام داراً واسعاً تسع اهل مکه جمعاً؛ (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲). برای حضرت خدیجه علیها السلام منزل وسیع و بزرگی بود که تمامی مردم مکه را در بر می گرفت، و قد جعلت اعلاها قبه من الحریر الازرق؛ که در بالای این منزل گنبدی از ابریشم آبی رنگ قرار داده بودند، و قد رقت فی جوانبها صفة الشمس والقمر والنجوم؛ و در آن نقش های خورشید و ماه و ستارگان منقش شده بود، و قد ربطته من حبال الابریسیم و اوتاد الفولاد؛ و آن گنبد ابریشمی زیبا را با طناب هایی از ابریشم و میخ هایی از فولاد، محکم کرده بودند.

تصور کنید، ثروتمندترین زن مکه، بلکه ثروتمندترین شخص آن، باید خانه ای داشته باشد که در خور مقام و شأن او باشد، فلذا خانه ی ایشان نیز بی نظیر و به گونه ای است که در تاریخ مکه چنین خانه ای برای غیر ایشان وصف نشده است. و در آن تمام اصناف و انواع خوراکی ها و میوه جات از طائف و شام همواره برای پذیرایی میهمانان فراهم بود. (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۵. حضرت خدیجه کبری علیها السلام ثروتمندترین زن روزگار، ص ۴-۸).

ایمان به دین یکتاپرستی ابراهیم

مخالفت خدیجه با بت پرستی قریش و قبایل عرب و دانش او بر بی ثمر بودن بت پرستی و ناسازگاری آن با دین یکتاپرستی ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام و خدیجه و ورقه در انتظار ظهور پیامبر آخر الزمان، - بشارت داده شده در تورات و انجیل- و خدیجه تحت تأثیر اخلاق و صداقت و سجایای بزرگ محمد صلی الله علیه و آله و نیز تأمل او بر سخنان میسره درباره عدم بت پرستی محمد صلی الله علیه و آله و عدم آلودگی او به گناهان رایج و اندیشه خدیجه درباره امکان پیامبر آخر الزمان بودن. (علموا اولاد کم محبه آل بیت النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۶۳).

خدیجه علیها السلام بانویی خردمند و دارای اندیشه ی استوار

قال الدكتور علی ابراهیم حسن: اذا اردنا مثلاً للزوجة المخلصة الصالحة، والمرأة الرزينة العاقلة، فقد لا نجد خيراً من خدیجه ام المؤمنین؛ هذه السيدة

از حق ضعف و ایتمام دفاع کنند و مانع از چپاول زورگویان مکه شوند، و حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شرکت خود در آن پیمان به نیکی یاد می کردند.

در چنین محیطی، اراده ی حقتعالی بر این بود که ثروتمندترین فرد و باعظمت ترین شخصیت، زنی باشد که در جوانی دارای ثروتی است که ثروتمندترین مرد مکه در خیال خود نیز به رقابت با وی نیاندیشد، و آن زنی کسی نیست جز ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام که نام وی در صفحه ی تاریخ چون خورشید فروزان می درخشد.

آن گونه که از مطالعه ی تاریخ بر می آید، ثروت حضرت خدیجه علیها السلام، حاصل دسترنج خود وی بود، و به کوشش و همت ایشان فراهم شده بود و از ارث و میراث خبری نبود، به همین جهت پدر و عمویش هیچ گونه دخالت و تصرفی در امور و اموال ایشان نداشتند. بد نیست به گوشه ای از ثروت ایشان اشاره کنیم تا قدری از عظمت سخن را دریابیم، و این مقدار از بیان ثروت ایشان، در حدیست که تاریخ برای ما نگه داشته است و از چنگ بدخواهان و حسودان و کینه توزان، به سلامت گذشته و به ما رسیده است و گر نه یقیناً ثروت و مکنات ایشان بیش از این حرفها می باشد. همین جمله کافیست که از ایشان به ملکه عظیمه (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۰). تعبیر کرده اند، او ملکه ای بود در نهایت عظمت.

(الف) کان لها من الاموال و المواشی، شیء لا یحصی؛ (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۰). برای ایشان از اموال و چهارپایان (اعم از اسب و شتر و گوسفند) عددی غیر قابل شمارش بود، در آن زمان وقتی می خواستند ثروت شخصی را بیان کنند، اشاره به اموال و چهارپایانی که در تملک داشت می کردند، که مثلاً فلان شخص صد رأس گوسفند، دو رأس اسب و چقدر نفر شتر دارد، ولی برای حضرت خدیجه علیها السلام، به جهت کثرت اموال و احشام، آمار خاصی وجود نداشت و می گفتند آن قدر مال و حشم دارد که نمی توان شمرد.

(ب) لیس بمکه اکثر مالاً من خدیجه علیها السلام؛ (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱). در شهر مکه، که اکثر اهل آن در پیشه ی تجارت مشغول بودند، کسی از خدیجه علیها السلام ثروتمندتر نبود، و همین عبارت گویای ثروت ایشان است، و بدین جهت بود که بزرگان قریش به خواستگاری ایشان آمدند، و چون آن حضرت کسی را هم شأن خویش نمی دید، نمی پذیرفت. کسانی که به خواستگاری ایشان می آمدند که تاریخ در ثروت شان می نویسد: چهارصد کنیز و غلام داشتند. (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۶۳؛ و ج ۱۰۸، ص ۲۱۵).

(و معلوم است که نگهداری چهارصد کنیز و غلام چه هزینه ای را بر ارباب آنها تحمیل می کند و این بیانگر ثروت آن ارباب می باشد) و ایشان حتی نمی پذیرفت با آنان سخن بگوید.

(ج) کان لخدیجه علیها السلام فی کل ناحیه عبید و مواشی، حتی قیل: ان لها ازید من ثمانین الف جمل متفرقة فی کل مکان، و کان لها فی کل ناحیه تجاره و فی کل بلد مال، مثل مصر و الحبشه و غیرها؛ (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲). برای حضرت خدیجه علیها السلام در هر سو و ناحیه، غلامان و احشام و اغنام بود، تا جایی که گفته شد: برای حضرت خدیجه علیها السلام بیش از هشتاد هزار شتر در مناطق مختلف برای تجارت قرار داشت، به غیر از اینها در مناطق مختلفی چون مصر و حبشه تجارت خانه داشتند و عده ای برای ایشان مشغول به تجارت بودند.



تو ای اسوه و اسطوره‌ی مقاومت و فداکاری، که با گزینش قهرمانانه‌ی خود، انسانیت را روسفید کردی، و به صدق و وفا، معنی دادی، و به بانوان جهان، شخصیت و به او آبرو، عنایت کردی، ای همسر برگزیده‌ی خدا محمد ﷺ و مادر زهرا اطهر ﷺ و مادر زن امیرمؤمنین علی ﷺ و جدی دوازده امام معصوم ﷺ!

و در فرازی از زیارت نامه آن حضرت می‌خوانیم:
«السلام علیک یا من انفق مالها فی نصره سید الانبیاء و نصرته ما استطاعت، و دافعت عنه الاعداء السلام علیک یا من سلم علیها جبرئیل و بلغها السلام من الله الجلیل، فهنیئا لک بما اولاک الله من فضل؛

سلام بر تو ای کسی که: ثروتش را در راه یاری سرور پیامبران، ایثار کرد. و آن حضرت را تا آخرین توان خود حمایت نمود، و گزند دشمنان را از آن حضرت دور کرد.

سلام بر تو ای کسی که: جبرئیل علیه السلام بر او سلام نمود، و سلام خداوند بزرگ را به او ابلاغ کرد، گوارا باد بر تو این امتیازات و افتخاراتی که خداوند تو را به خاطر آنها بر دیگران برتری بخشید.» (حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۸۷).

رجعت حضرت خدیجه هنگام ظهور حضرت قائم
مطابق روایات بسیار، هنگام ظهور امام قائم عجل الله تعالی فرجه له، پیامبر ﷺ و جمعی از اولیاء خدا و یاران پیامبر ﷺ و... به دنیامراجعه نموده و در عصر درخشان ظهور، از دشمنان انتقام می‌گیرند و مدتی دوباره در دنیا زندگی می‌نمایند. در این راستا نظر شما را به فرازی از گفتار امام صادق ﷺ به یکی از شاگردان معروفش به نام مفضل بن عمر جلب می‌کنیم:

... سپس امام حسین ﷺ در حالی که به خورش رنگین است همراه سایر شهیدان کربلا ظاهر می‌شوند، هنگامی که رسول خدا ﷺ او را با آن وضع می‌نگرد گریه می‌کند، اهل آسمان‌ها و زمین از گریه‌ی او می‌گیرند... در جانب راست امام حسین ﷺ حضرت حمزه، و در طرف چپ او حضرت جعفر طیار حرکت می‌کنند، در این هنگام خدیجه ﷺ می‌آید در حالی که محسن (فرزند شهید فاطمه ﷺ) را در آغوش گرفته، همراه فاطمه بنت اسد (مادر علی ﷺ) می‌آیند و بلند بلند گریه می‌کنند، حضرت زهرا ﷺ مادر محسن ﷺ پشت سر آنها می‌آید و فریاد می‌زند:

«هذا یومکم الذی کنتم توعدون؛ این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد.» (انبیاء/ ۱۰۳).

آنگاه حضرت امام صادق ﷺ گریه کرد، به طوری که محاسنش از اشک چشمش خیس شد، مفضل نیز گریه‌ی طولانی نمود... (بحار، ج ۵۳، ص ۲۳).

وصیت خدیجه در مورد شب عروسی حضرت زهرا
اسماء بنت یزید بن سکن، قابل توجه این که در متن، «اسماء بنت عمیس» آمده، و این اشتباه است زیرا اسماء بنت عمیس در آن هنگام همسر جعفر طیار بود، و هنگام رحلت خدیجه ﷺ و عروسی فاطمه ﷺ در حبشه به سر می‌برد، از این رو بعضی گفته‌اند: «اسماء بنت یزید بن سکن» است که با

العظیمه فی عقلیتها، ادرکت الجاهلیه و الاسلام، و کان لها فی کلیهما مرکز ممتاز، حتی سمیت الطاهره، فجمعت بین المال و الجمال و الکمال، و هذه الصفات الثلاث اذا اجتمعت - و قلما تجتمع - فانها ترضی علیالمرأه الواناً من السمو و الرفعه، و هكذا کان شأن خدیجه.

به نقل از دکتر علی ابراهیم حسن: خدیجه نمونه یک بانوی عاقل با اندیشه‌ی ای استوار و اصیل و بانویی بزرگ از حیث خردمندی و عقلانیت است. (کتاب خدیجه بنت خویلد، ص ۴۳).

روایای نوید بخش و صادق خدیجه

دخت با معنویت حجاز، در همان روزگازی که در اندیشه‌ی شناخت بیشتر خلق و خوی محمد ﷺ بود، شبی در عالم رؤیا دید که خورشید فروزان آسمان بر فراز مکه و خانه‌ی خدا، به آرامی و دلربایی می‌چرخید و به تدریج در سرای او فرود آمد! خواب عجیب خود را برای عمویش «ورقه» بیان کرد و از او خواست تا آن را برایش تعبیر نماید.

آن مرد نواندیش و خداجو پس از اندیشه‌ی ای بسیار در مورد پیام خواب خدیجه گفت: دخترم! چنین می‌نگرم که با مردی بزرگ و بلند آوازه که شهرت و محبوبیت اش جهان گستر خواهد شد - پیمان زندگی و مشترک خواهی بست. (بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۰۴؛ فروغ آسمان حجاز، خدیجه ﷺ، ص ۱۵۹). جالب است که تاریخ و روایات رسیده نشانگر آن است که بانوی خردمند حجاز در این رشته‌ی حساس علمی و معنوی صاحب نظر بود؛ به گونه‌ای که پیامبر گرامی پیش از بعثت و در آستانه‌ی برانگیختگی خویش، تعبیر خواب‌های شگفت‌انگیز و تفسیر رؤیاهای رحمانی و دارای پیام خود را با او در میان می‌نهاد، و آن بانوی بزرگ نیز افزون بر تحلیل و تأویل و تفسیر آنها، گاه با عموی دانشمندش ورقه که کشیشی به نام و پارسایی درست اندیش بود به گفت و گو می‌نشست؛ برای نمونه: علامه مجلسی آورده است که: پیامبر در آغازین مراحل رسالت و دریافت پیام خدا، در آینه‌ی رؤیا حقایقی را دریافت می‌داشت و چیزهایی را می‌دید که از آینده پیام می‌داد و آنها را با بانوی دانش و کال برای تفسیر و تأویل در میان می‌نهاد و او ضمن تفسیر آنها، به پیامبر نوید می‌داد که:

«ابشر فان الله لا یصنع بک الا خیراً...» (فروغ آسمان حجاز، خدیجه ﷺ، ص ۳۵۰ و ۳۵۱).

مژده ات باد، چرا که خدا جز خیر و نیکی برای تو نمی‌خواهد و پیش نمی‌آورد. تعبیرهای خدیجه در پاسخ پیامبر و تفسیر خواب‌های آن حضرت، که گاه پس از شنیدن دقیق خواب پیامبر می‌گفت: «ابشر» و گاه می‌فرمود: «هذا خیر فابشر» و بدین سان به او نوید اوج رشد و معنویت را می‌داد، نشانگر آگاهی او از تأویل خوابهاست و گر نه نمی‌تواند این گونه به پیامبر پاسخ دهد. (الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۳۲۴).

سلام خدا و همه‌ی موجودات به تو ای خدیجه!

هزاران سلام و درود خداوند بزرگ بر تو ای خدیجه! بانوی خردمند، ایثارگر و باوفا، و هزاران سلام و درود پیامبران و امامان ﷺ و اولیای خدا و شهیدان بر



فاطمه علیها السلام واسطه شد، و این تقاضای خدیجه علیها السلام نیز روا گردید. این تقاضای خدیجه علیها السلام از اینرو بود تا آن لباس موجب نورهایی از رحمت الهی گردد و او را در عالم برزخ و روز قیامت خشنود سازد.

آوردن کفن از سوی خدا برای خدیجه علیها السلام

در کتاب «الخصائص الفاطمیه» نفل شده: طبق روایت مشهور، هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام رحلت کرد، فرشتگان رحمت از جانب خداوند کفن مخصوصی برای خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند، و این علاوه بر اینکه مایه ی برکت برای خدیجه علیها السلام بود، مایه ی تسلی خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله گردید، و به این عنوان تقریر و تجلیل جالبی از طرف خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام به عمل آمد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیکر مطهر حضرت خدیجه علیها السلام را با آن کفن پوشانید، سپس جنازه ی او را با همراهان به سوی قبرستان معلی که در دامنه ی کوه حجون در بالای مکه قرار گرفته بودند، تا در کنار مادرش حضرت آمنه علیها السلام به خاک بسپارد. (گرچه طبق بعضی از روایات قبر حضرت آمنه علیها السلام مادر پیامبر صلی الله علیه و آله در سرزمین «ابواء» بین مدینه و مکه است، ولی محدث محلاتی می نویسد: «حق این است که پیکر آمنه علیها السلام را از آنجا انتقال داده و در حجون به خاک سپردند.» (ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۴۱۲).

در آنجا قبری برای حضرت خدیجه علیها السلام آماده کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان قبر رفت و خوابید، سپس بیرون آمد و آن گوهر پاک را در آنجا به خاک سپرد.

(ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۷۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۹).

علامه مجلسی در بحارالانوار و دیگران می نویسند: «هنوز در آن وقت نماز میت واجب نشده بود، از این رو نماز میت بر خدیجه علیها السلام خوانده نشد، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آماده شدن قبر، وارد قبر شد و او را به خاک سپرد.» (بحار، ج ۱۶، ص ۱۳، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۷۶).

رحلت جانسوز خدیجه علیها السلام

مطابق نقل معروف، حضرت خدیجه علیها السلام در روز دهم ماه رمضان سال دهم بعثت از دنیا رفت. در این سال با فاصله اندک دو یاراستوار و مخلص پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ابوطالب علیه السلام و خدیجه علیها السلام رحلت کردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از رحلت آنها بسیار ناراحت و غمگین شد، و آن سال را «عام الحزن» (سال اندوه) نامید.

علامه طبرسی می نویسد:

«ورد علی رسول الله امران عظیمان و جزع جزعا شدیداً؛ پارحلت ابوطالب علیه السلام و خدیجه علیها السلام دو فاجعه ی عظیم برای پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داد. به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت بی تاب و اندوهگین گردید.» (اعلام الوری، ص ۶۲ و ۶۳).
و به نقل علامه مجلسی «فلزم بینه و اقل الخروج؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در این هنگام خانه نشین شد. او کمتر از خانه بیرون می آمد.» (بحار، ج ۱۹، ص ۲۱).

دلداری خداوند به حضرت زهرا علیها السلام در سوگ مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خدیجه علیها السلام رحلت کرد: «جعلت فاطمه

کنیه ام سلمه خوانده می شد (در این باره به بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۴ با توجه به پاورقی آن، مراجعه شود) که با کنیه ام سلمه خوانده می شد، و غیر از ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود می گوید: هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام در بستر رحلت قرار گرفت به عیادتش رفتم، وقتی که مرا دید گریه کرد گفتم: «آیا در مورد مرگ گریه می کنی، با اینکه تو سرور زنان دو جهان، و همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی، و آن حضرت با زبان خود تو را به بهشت مژده داده است؟» خدیجه علیها السلام فرمود: «گریه ام برای مرگ نیست، بلکه در مورد فاطمه علیها السلام است، هر دختری در شب زفاف خود نیاز به بانویی دارد تا به او کمک کند و مرحم اسرار او باشد، و نیازهای او را برطرف سازد، ولی فاطمه علیها السلام هنوز بزرگ نشده، نگرانم که در شب عروسیش کسی نباشد تا به جای من از او مادری و سرپرستی کند.»

اسماء می گوید: عرض کردم: «ای خانم من! من با خدا عهد می کنم که اگر خداوند تا آن وقت به من عمر داد، به جای تو برای فاطمه علیها السلام مادری کنم». این عهد همچنان در خاطر من بود، حضرت خدیجه علیها السلام رحلت کرد، هجرت به مدینه به پیش آمد، و سرانجام شب عروسی فاطمه علیها السلام (در سال دوم هجرت، اندکی بعد از جنگ بدر) فرا رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از انجام مراسم عروسی، به همه ی زنان دستور داد که به خانه های خود بروند، همه رفتند، ولی من طبق عهدی که با خدیجه علیها السلام داشتم ماندم، پیامبر صلی الله علیه و آله در تاریکی مرا دید، فرمود: کیستی؟ گفتم: اسماء هستم. فرمود: «مگر دستور ندادم که از خانه بیرون بروید؟»

عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدای تو، آری چنین دستور فرمودی، و من قصد مخالفت با دستور تو را ندارم، ولی با حضرت خدیجه علیها السلام عهد و پیمانی بسته ام، آنگاه داستان عهد و پیمان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کردم.

آن حضرت تا نام خدیجه علیها السلام و وصیت او را شنید، پی اختیار کرید کرد، آنگاه به من فرمود: «تو را به خدا برای وفای به عهدت در اینجا مانده ای؟» عرض کردم: سوگند به خدا آری.

پیامبر صلی الله علیه و آله برای من دعای خیر کرد. (کشف الغمه، بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۸).

خوف خدیجه علیها السلام از مرگ

با اینکه حضرت خدیجه علیها السلام نهایت فداکاری را برای اسلام نمود، و به طور مکرر از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به او مژده ی بهشت داده شد، در عین حال خائف بود، و در آستانه ی مرگ، از ترس خدا هراسان بود، و خود را بنده ی کوچک و ناچیزی می دانست، و از درگاه خدا می خواست که در عالم قبر و برزخ خشنود گردد، از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای دعا و طلب مغفرت نمودن داشت، و از آن حضرت می خواست که هنگام مرگ و خاک سپاری، او را مورد لطف خاص قرار دهد، در قبرش بخوابد، و با این کار، رحمت الهی را وارد قبر سازد و...

در آن هنگام فاطمه علیها السلام حدود پنج سال داشت، گویا خدیجه علیها السلام شرم داشت از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای دیگر کند، فاطمه علیها السلام را واسطه قرار داد، به او فرمود: «دختر جان! نزد پدر برو، و از او بخواه پیکرم را با یکی از روپوشهای خود کفن نموده و بپوشاند.» (اقتباس از الوقایع والحوادث، ج ۱، ص ۱۳۲).



موضع گیری های خدیجه علیها السلام در دفاع از اسلام و محمد صلی الله علیه و آله از عوامل مهم تحکیم و گسترش اسلام بود، او اولین بانوی مسلمان بود، و ایثار و مقاومتش همپراز شمشیر امیرمؤمنان علی علیه السلام به حساب می آمد. چگونه پیامبر صلی الله علیه و آله آن همه فداکاری های او را فراموش کند، و رحلت جانسوزش را یک حادثه ی معمولی تلقی نماید؟!

اندوه جانکاه پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق او، بیانگر عظمت ایثار، فداکاری ها و مقاومت های حضرت خدیجه علیها السلام است، چرا که رحلت خدیجه علیها السلام یکی از ستون های استوار و محکم اسلام را ویران ساخت، و وفات دلخراش ابوطالب، چند روز قبل از او نیز فاجعه ی کمرشکن دیگری بود. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله با از دست دادن این دو یار استوار و پر صلابت، دیگر نمی توانست به زندگی خود در مکه ادامه دهد، به همین دلیل ناگزیر به هجرت به سوی مدینه شد.

در این باره هرچه بگوییم کم گفته ایم، و نمی توانیم یک هزارم مطلب را ترسیم کنیم، چگونه می توان تأثیر و اندوه عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله از فراق خدیجه علیها السلام را با زبان و قلم بیان کرد؟ آیا می توان با یک لیوان معمولی آب دریا را برداشت؟ (اسوه ایثار و مقاومت، ص ۲۶۵ - ۲۶۷).

گریه و راز و نیاز امام حسین علیه السلام در کنار قبر خدیجه علیها السلام

امام حسین علیه السلام بیست و پنج بار پیاده از مدینه به مکه برای انجام مراسم حج و عمره مسافرت کرد، روایت شده در یکی از سفرها انس بن مالک همراه آن حضرت بود، او می گوید: امام حسین علیه السلام کنار مرقد شریف حضرت خدیجه علیها السلام آمد و در آنجا (به یاد خاطرات فداکاری های خدیجه علیها السلام و ظلم هایی که به او شد) گریه کرد سپس به من فرمود: از من فاصله بگیر، من کنار رفتم، در نزدیک او در کناری پنهان شدم، مشغول نماز شد، نمازش به طول کشید، شنیدم او در نماز خود چنین با خدا مناجات می کرد.

یا رب یا رب انت مولاه فارحم عبیدا الیک ملجاء

یا ذا المعالی علیک معتمدی طوبی لمن کنت انت مولاه

طوبی لمن کان خائفا ارقایشکوا الی ذی الجلال یلواه

و ما به عله و لا سقما کتر من حبه لمولاه

اذا اشکی بته و غصتها جابه الله ثم لباه

اذا ابتلی بالظلام مبتهلا کرمه الله ثم ادناه

یعنی: ای پروردگار و خدایی که تو مولا و سرورش هستی به بنده ی کوچکی که پناهگاهش تو هستی رحم کن. ای خدای بزرگ و صاحب صفات کمال و جلال، بر تو تکیه می کنم، خوشا به حال کسی که تو مولا و سرورش هستی. خوشا به حال کسی که درگاه تو ترسان و شب زنده دار است، و شکایت گرفتاری های خود را به سوی تو آورده و از تو تمنای رفع آن را دارد. چنین کسی گرفتاری و بیماریش، بیش از عشقش به مولایش نیست. هرگاه رفع رنجها و گرفتاری هایش را از درگاه خدا می طلبد، خداوند خواسته ی او را به اجابت رسانده و به تمنای او جواب مثبت می دهد. هنگامی که به ستم ستمگران گرفتار و دچار شد، با تضرع رو به سوی تو آورده، آنگاه خداوند او را گرامی داشته و سپس او را به درگاه خود نزدیک سازد.

پس از آنکه مناجات امام حسین علیه السلام در کنار قبر خدیجه علیها السلام به اینجا

تلوذ برسول الله و تدور حوله، و یقول یا ابه! این امی؟ حضرت زهرا علیها السلام به پدر پناه برد، و اطراف پدر می جریخید و می گفت: ای بابا! مادرم کجاست؟ (طبق بعضی از روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب او فرمود: «مادرت در قصری است که آن قصر دارای چهار در است و آن درها به بهشت گشوده می شوند.» (بحار، ج ۲۲، ص ۵۰۹).

در این هنگام جبرئیل نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «پروردگارت به تو فرمان می دهد که به فاطمه علیها السلام سلام برسان و به او بگو: مادرت در خانه ای در بهشت است که از یک قطعه ی بلورین ساخته شده، که پایه اش از طلا و ستونش از یاقوت سرخ می باشد، و بین آسیه علیها السلام و مریم دختر عمران علیها السلام قرار گرفته است.»

فاطمه علیها السلام گفت: «خدا سلام است، و از او است سلام، و به سوی او سلام است.» (المجالس شیخ مفید ص ۱۱۰، بحار، ج ۱۶، ص ۱).

در نقل دیگر آمده: فاطمه علیها السلام به پیامبر عرض کرد: مادرم کجاست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فی بیت من قصب؛ در خانه ای بلورین بدون هرگونه رنج و ناآرامی در کنار مریم و آسیه علیها السلام است» فاطمه علیها السلام پرسید: «آیا منظور از قصب همین نی ها است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نه، آن خانه با گوهر و لؤلؤ و یاقوت، آراسته و تنظیم شده است.» (صحیح بخاری، طبق نقل زندگانی فاطمه الزهراء، از: عمادزاده، ص ۲۷. و اسوه ایثار و مقاومت، ص ۲۵۸ تا ۲۶۴).

اندوه جانکاه پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق خدیجه علیها السلام

چنانکه گفتیم پیامبر صلی الله علیه و آله از فراق حضرت خدیجه علیها السلام بسیار اندوهگین شد، چرا که حضرت خدیجه علیها السلام در طول بیست و پنج سال زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله همواره در شب و روز همدم و مونس و یار مخلص و شریک غم های پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و از سوی دیگر افرادی بودند که به خاطر خدیجه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله آسیبی نمی رساندند، ولی بعد از وفات خدیجه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام دست آزارشان به آن حضرت باز گردید. و به راستی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از قبرستان به سوی خانه و دیدار حضرت زهرا علیها السلام که در آن وقت خردسال بود، چه حالتی داشت، و چگونه می توانست جای خالی خدیجه علیها السلام را پس از بیست و پنج سال ایثار و مقاومت، بنگرد؟ عظمت این مصیبت و فاجعه را جز خدای بزرگ نمی داند. و شاید بتوان گفت که در زندگی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ مصیبت و حادثه ی تلخی برای آن حضرت، همانند رحلت جانسوز حضرت خدیجه علیها السلام نبود، که به حق جگرسوز و کمرشکن بود. چرا که وجود حضرت خدیجه علیها السلام عامل مهمی در ساختار زندگی درخشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و حیات و پیشرفت اسلام، در سال های آغاز بعثت بود، اگر وجود خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دارای این تأثیر عظیم نبود، فقدان او موجب آن همه تأثیر و اندوه وصف ناپذیر پیامبر صلی الله علیه و آله نمی شد، و مرگ او موجب بی تابی پیامبر صلی الله علیه و آله نمی گشت، و سال مرگش را «سال حزن» اعلام نمی نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله چنانکه خاطر نشان گردید، سالهای دراز بعد از رحلت خدیجه علیها السلام از او به عظم یاد می کرد، و سهم او را در پیشبرد اسلام، همواره یادآوری می نمود، و در سوگش و یاد خاطراتش اشک می ریخت، آیا آن همه تأثیر و یادآوری بیانگر چیست؟!



رسید، ندایی در پاسخ او شنیده شد که از درگاه الهی به او چنین می گفت: لیبیک لیبیک انت فی کنفیو کلما قلت قد علمناه صوتک تشتاقه ملائکتی فحسبک الصوت قد سمعناه دعاک عندی یچول فی حجب فحسبک الستر قد سفرناه لو هبت الريح فی جوانبه خر صریعا لما تغشاه سنی بلا رعبه و لا رهبو لا حساب انی انا الله یعنی: بلی بلی تو در کنار و پناه من هستی، و هرچه را گفتمی به آن آگاهی داریم.

فرشتگانم به صدای تو اشتیاق دارند، برای ارزش راز و نیاز تو همین بس که ما آن را می شنویم. دعایت در درگاه من در میان حجابها (ی نور) جولان و گردش می کنند، و همین تو را بس که ما آن را از میان حجاب ها آشکار می کنیم. هرگاه آن دعاها در گردش خود در مقامی قرار گیرند که اگر در آن مقام مردی باشد، همان گونه که در پرتو انوار شکوه و عظمت الهی مدهوش شوند، او مدهوش بیفتد. (یعنی آن دعا در درون انوار درخشان الهی قرار گرفته و آن انوار آن را در بر می گیرند، و موجب ارزش آن می شوند.) بدون ترس و وحشت و حساب، از درگاه من تقاضا کن که منم خداوند بر آورنده ی حاجات. (مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۶۹، بحار، ج ۴۴، ص ۱۹۳).

حضرت خدیجه در اسناد و روایت اهل تسنن

سخن از حضرت خدیجه رضی الله عنہا، سخن از يك دنيا عظمت و پایداری واستقامت در هدف است. به حق قلم فرسایی درباره کسی که خداوند براو سلام و درود می فرستد، بسی مشکل است. اما به مصداق «ما لا یدرک کلّه لایدرک کلّه»، به بررسی گوشه هایی از شخصیت و زندگی این بزرگ بانو می پردازیم:

بخاری در کتاب صحیح خود از ابوهریره چنین می گوید: ۳۸۲۰ - حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فَضِيلٍ، عَنْ عُمَارَةَ، عَنْ أَبِي زُرْعَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: «أَتَى جِبْرِيلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ: هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ، أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ، فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمَنِيَّ وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَحَبَ فِيهِ، وَلَا نَصَبَ» (صحیح البخاری ج ۵ ص ۳۹)

حضرت جبرئیل نزد نبی مکرم صلی الله علیه و آله برای وحی آمده بود و گفت: اینک حضرت خدیجه رضی الله عنہا برای تو غذا و آب می آورد؛ وقتی آمد، از ناحیه خداوند به حضرت خدیجه رضی الله عنہا سلام برسان و همچنین از من به او سلام برسان و او را بشارت بده که خداوند برای او در بهشت خانه ای در نظر گرفته از تارهای طلا و نقره که در آنجا هیچ مشقت و ناراحتی وجود ندارد.

مسلم در کتاب صحیح مسلم خود از ابوهریره نقل می کند که:

۷۱ - (۲۴۳۲) حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، وَأَبُو كُرَيْبٍ، وَابْنُ نُمَيْرٍ، قَالُوا: حَدَّثَنَا ابْنُ فَضِيلٍ، عَنْ عُمَارَةَ، عَنْ أَبِي زُرْعَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ، قَالَ: أَتَى جِبْرِيلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ، فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ، فَأَقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنِيَّ، وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ، لَا صَحَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ

قَالَ أَبُو بَكْرٍ فِي رِوَايَتِهِ: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَلَمْ يَقُلْ: سَمِعْتُ وَلَمْ يَقُلْ فِي الْحَدِيثِ: وَمَنِيَّ (صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۸۷)

جبرئیل خدمت نبی مکرم در غار حراء نازل شد، فرمود: حضرت خدیجه نزد تو می آید و ظرفی که در آن غذا و آب و خورشتی است برای تو می آورد، وقتی خدیجه کبری نزد تو آمد، یا رسول الله از طرف خدا به او سلام برسان و از طرف من جبرئیل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خدای عالم در بهشت قصری برای او در نظر گرفته است که از تارهای طلا ساخته شده است و هیچ گونه لرزش و سرو صدایی و مشقتی در آنجا نیست.

ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابه گوید:

وأخرج ابن السنيّ بسند له عن خديجة- أنها خرجت تلتمس رسول الله صلى الله عليه وسلم بأعلى مكة ومعها غذاؤه، فلقبها جبريل في صورة رجل، فسألها عن النبي صلى الله عليه وسلم فهابته، وخشيت أن يكون بعض من يريد أن يغتاله، فلما ذكرت ذلك للنبى صلى الله عليه وسلم قال لها: «هو جبريل، وقد أمرنى أن أقرأ عليك السلام، وبشرها بيت في الجنة من قصب لا صخب فيه ولا نصب». (الإصابة في تمييز الصحابة ج ۸ ص ۱۰۲)

حضرت خدیجه رضی الله عنہا از خانه بیرون آمد و پیغمبر بیرون مکه بود و از ترس قریش بعضی از روزها می رفتند در کوهها آنجا مخفی می شدند. خدیجه کبری بلند شد: غذایی برای حضرت رسول اکرم پخته بود داشت می رفت، جبرئیل را دید به صورت یک مرد، این مرد از خدیجه سؤال کرد پیغمبر کجاست؟ خدیجه را ترس فرا گرفت و ترسید که این مرد جزء همان هایی است که می خواهد پیغمبر را ترور کند و پیغمبر را نابود کند، چیزی نگفت و آن مرد رفت. حضرت فرمود: خدیجه آن مردی که دیدی جبرئیل بود و فرمود: به من گفت که به تو سلام برسانم و به من گفت که به تو بشارت بدهم بر قصر و خانه در بهشت برای شما.

حاکم نیشابوری در المستدرک و بقیه علماء نقل کرده اند:

۴۸۵۶ - أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ سَهْلٍ الْفَقِيهُ بِبُخَارَى، ثنا قَيْسُ بْنُ أَبِي أَنَيْفٍ، ثنا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعْدٍ، ثنا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ، عَنْ ثَابِتٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «أَتَى جِبْرِيلُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعِنْدَهُ خَدِيجَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُقْرئُ خَدِيجَةَ السَّلَامَ، فَقَالَتْ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ» (المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۲۰۶ و السنن الکبری ج ۷ ص ۳۹۰ ح ۸۳۰۱ و ج ۹ ص ۱۴۶ ح ۱۰۱۳۴)

از انس رضی الله عنہ، روایت شده است که فرمود: جبرئیل نزد پیامبر آمد، درحالی که خدیجه نزد ایشان بود، و گفت: خداوند بر خدیجه سلام می فرستد. خدیجه گفت: همانا خداوند خود سلام است و سلام بر جبرئیل و سلام و رحمت و برکت خدا بر تو باد ای رسول خدا

متواتر بودن روایت با اسناد های بسیار فراوان

اسناد دیگر این روایت که بالغ بر ۸۶۷ سند در مکتبه الشامله پیدا گشته است فقط برای اطلاع محققین ارجمنند به چند نمونه اشاره می نمایم:

سنن الترمذی ج ۶ ص ۱۸۵

تفسیر القرآن العظیم ج ۴ ص ۵۳۹



ویرانه‌نامه وفات حضرت خدیجه



۱۵۲۶۸ - وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «حَطَّ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ خُطُوطٍ، فَقَالَ: «أَتَذَرُونَ مَا هَذَا؟» . فَقَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَمَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ، وَأَسِيَّةُ ابْنَةَ مُزَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ» . (رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَأَبُو يَعْلَى، وَالطَّبْرَانِيُّ، وَرَجَالُهُمْ رِجَالُ الصَّحِيحِ). (مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ج ۹ ص ۲۲۳)

ابن عبد البر و ذهبی از ابوهریره نقل می کنند که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

حَدَّثَنَا بَدَلُ بْنُ الْمُخَبَّرِ، حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا يَزِيدَ الْمَدَنِيَّ يَحْدُثُ عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَأَبْنَةُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

(الاستيعاب في معرفة الأصحاب ج ۴ ص ۱۸۲۱ و سير أعلام النبلاء ج ۲ ص ۵۲ و ۱۲۶)

بهترین زنان جهان چهار نفر هستند. حضرت مریم (سلام الله علیها) و آسیه (سلام الله علیها) همسر فرعون و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها).

اعتراف عایشه به سرور نساء اهل جنت بودن حضرت خدیجه و حضرت فاطمه عليهما السلام

أَنَّهَا قَالَتْ لِفَاطِمَةَ: أَلَا يَسْرُكُ أُنَى سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: سَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَأَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ (فصول المهمة ص ۱۴۵ و دار الأضواء: ص ۱۳۸)

عایشه به فاطمه عليها السلام گفت: آیا چیزی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم، خوشحال نمی کنی که تو را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: سروران زن های بهشت چهار تن می باشند مریم دختر عمران فاطمه دختر محمد خدیجه دختر خویلد آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه عليها السلام را می بوید و می بوسد!

اسناد دیگر این روایت صحیح السنند در کتب معتبره اهل سنت (فقط در جستجو در مکتبه الشامله بالغ بر ۴۰۰ سند بدست آمده است که ما به اختصار فقط به نام چند مورد اکتفا میکنم):

- المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۳۳۶ و ج ۲۳ ص ۷
- صحيح ابن حبان ج ۱۵ ص ۴۷۰
- تفسير القرآن العظيم ج ۸ ص ۱۷۳
- الدر المنثور ج ۸ ص ۲۲۹
- فضائل الصحابة ج ۲ ص ۷۶۰
- مسند أبي يعلى ج ۵ ص ۱۱۰
- السنن الكبرى ج ۷ ص ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۱
- فتح الباری شرح صحيح البخاری ج ۶ ص ۴۴۷ و ۴۷۱ و ج ۷ ص ۱۰۷ و ۱۳۵ و ۱۳۹
- تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی ج ۱۰ ص ۲۶۵
- سلسلة الأحاديث الصحيحة ج ۴ ص ۱۳ المؤلف:
- در روایات معتبر از زنانی که به درجه کمال رسیدند چه کسانی بوده است

سلسلة الأحاديث الصحيحة ج ۴ ص ۷۲ و ج ۷ ص ۱۶۱۰ و ۱۶۱۲ و ۱۶۱۳
مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۲ ص ۳۷۱ ح ۱۷۵۸ و ج ۷ ص ۱۱ ح ۷۱۵۶
فضائل الصحابة ج ۲ ص ۸۵۰ تا ۸۵۶

الأحاد والمثنائ ج ۵ ص ۳۸۲ و ۳۸۳
المعجم الكبير ج ۱ ص ۳۴ و ج ۲ ص ۱۸۸ و ج ۱۳ ص ۷۲ و ج ۲۳ ص ۹ و ۱۰
مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ج ۹ ص ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۴۱۶
عمدة القاری شرح صحيح البخاری ج ۱۰ ص ۱۲۸ و ج ۱۶ ص ۲۸۰ و ۲۸۱
الجمع بين الصحيحين البخاری ومسلم ج ۱ ص ۵۰۵ و ج ۳ ص ۱۷۶

حضرت خدیجه عليها السلام، یکی از بهترین زنان بهشتی محمد بن اسماعیل بخاری در روایت دیگری نقل می کند که حضرت خدیجه سلام الله علیها از برترین زنان بهشتی هستند:

۳۲۴۹ حدثني أَحْمَدُ بْنُ أَبِي رَجَاءٍ حَدَّثَنَا النَّضْرُ عَنْ هِشَامٍ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي قَالَ سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَخَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةُ. (صحيح البخاری ج ۴ ص ۱۶۴)

عبد الله بن جعفر از علی (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: از رسول خدا شنیدم که می فرمود: بهترین بانوان بهشت مریم دختر عمران و خدیجه است.

احمد حنبل در کتاب مسند اش اینچنین روایت نقل می کند:

۲۶۶۸ - حَدَّثَنَا يُونُسُ، حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ أَبِي الْفَرَاتِ، عَنْ عَلْبَاءَ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: حَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ خُطُوطٍ، قَالَ: «تَذَرُونَ مَا هَذَا؟» فَقَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ: خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَأَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ، وَمَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ» (مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۴ ص ۴۰۹ و ج ۵ ص ۷۷ و ج ۱۸ ص ۱۶۲ و ج ۴۴ ص ۹)

می دانید این چهار خطی که کشیدم چیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش بهتر می دانند. پیغمبر اکرم فرمود: با فضیلت ترین زنان بهشت چهار تا هستند: حضرت خدیجه و حضرت زهرا و حضرت آسیه و حضرت مریم سلام الله علیهن اجمعین.

حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک این روایت را نقل میکند و صحیح السنند می داند:

۴۸۵۲ - حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، ثنا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدُّورِيُّ، ثنا يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُؤَدَّبِ، ثنا دَاوُدُ بْنُ أَبِي الْفَرَاتِ، عَنْ عَلْبَاءَ بِنِ أَحْمَرَ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: حَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ خُطُوطٍ وَقَالَ: «أَتَذَرُونَ مَا هَذَا؟» فَقَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ» وَأَخْسِبُهُ قَالَ: «وَأَمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ بِهَذِهِ السِّيَاقَةِ (المستدرک على الصحيحين ج ۲ ص ۵۳۹ و ج ۳ ص ۲۰۴)

هیثمی در مجمع الزوائد خود این روایت را می آورد و صحیح السنند می داند این روایت را:



در چندین جای مختلف، ولی متاسفانه در هیچ بخشی نامی از حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت زهرا علیها السلام وجود ندارد؟ چرا بخاری نامی از این دو بانو مکرمه که صریحا در تمامی روایات نام این دو شخص دیده می شود ولی متاسفانه در بخاری و مسلم وجود ندارد نامی از این دو بانو ما تمامی روایت های بخاری را در اینجا با سلسله روایت مختلف ذکر میکنیم:

۳۴۱۱ - حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ، عَنْ شُعْبَةَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ، عَنْ مُرَّةَ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (صحيح البخاری ج ۴ ص ۱۵۸)

۳۴۳۳ - حَدَّثَنَا آدَمُ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ، قَالَ: سَمِعْتُ مُرَّةَ الْهَمْدَانِيَّ، يُحَدِّثُ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ، كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَرْيَمُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ» (صحيح البخاری ج ۴ ص ۱۶۴)

۳۷۶۹ - حَدَّثَنَا آدَمُ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، قَالَ: وَحَدَّثَنَا عَمْرُو، أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ، عَنْ مُرَّةَ، عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَأَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ، وَفَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (صحيح البخاری ج ۵ ص ۲۹)

۵۴۱۸ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، حَدَّثَنَا عُذْرَةُ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ الْجَمَلِيِّ، عَنْ مُرَّةَ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَأَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ، وَفَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (صحيح البخاری ج ۷ ص ۷۵)

۲۴۳۱ - وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، وَأَبُو كُرَيْبٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ، ح وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، وَابْنُ بَشَّارٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، جَمِيعًا عَنْ شُعْبَةَ، ح وَحَدَّثَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذِ الْعَنْبَرِيِّ، - وَاللَّفْظُ لَهُ - حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ، عَنْ مُرَّةَ، عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ غَيْرُ مَرْيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَأَسِيَّةَ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ، وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (صحيح مسلم ج ۴ ص ۱۸۸۶)

از مردها افراد زیادی به کمال رسیدند؛ ولی از زن ها جز آسیه و مریم کامل نشدند و فضیلت عائشه بر زن ها مثل فضیلت آبگوشت است نسبت به دیگر غذاها.

جناب شوکانی در فتح القدير می گوید: در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) آمده است که پیغمبر اکرم فرمود:

وَفِي الصَّحِيحَيْنِ وَغَيْرِهِمَا مِنْ حَدِيثِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (فتح القدير ج ۵ ص ۳۰۶)

جناب شوکانی در فتح القدير می گوید: در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) آمده است که پیغمبر اکرم فرمود:

وَفِي الصَّحِيحَيْنِ وَغَيْرِهِمَا مِنْ حَدِيثِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ»

(فتح القدير ج ۵ ص ۳۰۶ والجامع لأحكام القرآن ج ۴ ص ۸۳)

از مردها افراد زیادی به کمال رسیدند؛ ولی از زن ها جز آسیه و مریم و خدیجه کامل نشدند و فضیلت عائشه بر زن ها مثل فضیلت آبگوشت است نسبت به دیگر غذاها.

نمی خواهیم در اینجا هیچ تعریضی یا تقریضی یا حاشیه ای داشته باشم که نبی گرامی عائشه را به آبگوشت تشبیه می کند، آیا این فضیلت است یا فضیلت نیست؟

همچنین خود آلوسی سلفی می گوید:

روی أحمد فی مسنده: سيدة نساء أهل الجنة مریم ثم فاطمة ثم خديجة ثم آسیه ثم عائشة، وفي الصحيح كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا أربع: آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون و مریم ابنة عمران و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد صلى الله تعالى عليه وسلم و فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام و خص الثريد - وهو خبز يجعل في مرق و عليه لحم - (روح المعاني في تفسير القرآن العظيم ج ۱۴ ص ۳۵۹)

و در صحیح آمده است که از مردها تعداد کثیری کامل شدند و از زن ها جز چهار نفر کسی کامل نشد که آسیه و مریم و خدیجه و فاطمه است. و فضیلت عائشه بر زن ها مثل فضیلت آبگوشت است نسبت به دیگر غذاها...

شاید در آن زمان آبگوشت بهترین غذا بوده است. همان طوری که خود آلوسی می گوید همان آبگوشتی است که در آن ترید می کنند.

عدوات و کینه توزی بخاری و مسلم نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام و تحریف روایت

آقای دکتر وهبه زهیلی یکی از شخصیت های برجسته مصری است و از او بعضی ها به امام تعبیر می کنند و کتابی دارد به نام تفسیر وسيط که در آن این روایت را نقل می کند.

وجاء في صحيح البخاري ومسلم عن أبي موسى الأشعري عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كمل من الرجال كثير، ولم يكمل من النساء إلا آسیه امرأة فرعون، و مریم ابنة عمران، و خديجة بنت خويلد، و إن فضل عائشة على النساء، كفضل الثريد على سائر الطعام» .

(التفسير الوسيط للزحيلي ج ۳ ص ۲۶۹۵)

همچنین در صحیح بخاری و مسلم آمده است: از ابوموسی اشعری از پیامبر صلی علیه وسلم که می فرماید: از مردها افراد زیادی به کمال رسیدند؛ ولی از زن ها جز آسیه و مریم و خدیجه کامل نشدند و فضیلت عائشه بر زن ها مثل فضیلت آبگوشت است نسبت به دیگر غذاها.

در کتاب صحیح بخاری این روایت با سلسله روایت مختلف آورده شده است



- در صحیح بخاری و مسلم آمده است: از ابوموسی اشعری از پیامبر ﷺ که می‌فرماید: از مردها افراد زیادی به کمال رسیدند؛ ولی از زن‌ها جز آسیه و مریم و خدیجه کامل نشدند و فضیلت عائشه بر زن‌ها مثل فضیلت آبگوش است نسبت به دیگر غذاها.
- متقی هندی در کتاب کنز العمال که کتاب معتبری است که می‌گوید: ۳۴۴۰۴ - «خیر نساء العالمین أربع: مریم بنت عمران؛ و خدیجة بنت خویلد، و فاطمة بنت محمد، و آسیة امرأة فرعون.» (حم، ق کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال ج ۱۲ ص ۱۴۳)
- بهترین زنان جهانیان چهار نفر هستند: حضرت مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد و حضرت فاطمه دختر محمد و آسیه همسر فرعون. حم یعنی: مسند احمد، ق یعنی: در صحیح بخاری و صحیح مسلم.
- ابن کثیر دمشقی سلفی در کتاب البدایه و النهایه می‌گوید: در صحیح بخاری آمده است که: از میان زن‌ها به کمال نرسید مگر مریم و خدیجه و آسیه.
- وَفِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ أَيْضًا عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَأَسِيَّةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَفَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى سَائِرِ الطَّلَعِ» (البدایه والنهایه ج ۱۱ ص ۳۴۰)
- در صحیح بخاری آمده است: از ابوموسی اشعری از پیامبر صلی علیه وسلم که می‌فرماید: از مردها افراد زیادی به کمال رسیدند؛ ولی از زن‌ها جز آسیه و مریم و خدیجه کامل نشدند و فضیلت عائشه بر زن‌ها مثل فضیلت آبگوش است نسبت به دیگر غذاها.
- جناب آقای مناوی که از استوانه‌های علمی اهل سنت است و کتابی به نام فیض القدير دارد (که شرح جامع صغیر جناب سیوطی است) می‌گوید: ۴۷۵۹ - (سيدات نساء أهل الجنة أربع مریم و فاطمة و خدیجة و آسیة) امرأة فرعون قال جمع: هذا نص صريح في تفضيل خدیجة على عائشة وغيرها من زوجاته لا يحتمل التأويل... (حكم الألبانی فی حدیث الجامع الصغیر سیوطی: (صحیح) انظر حدیث رقم: ۳۶۲۸ فی صحیح الجامع)
- (فیض القدير شرح الجامع الصغیر، ج ۴، ص ۱۲۴)
- سروران زنان بهشتی چهارتا هستند: مریم، فاطمه، خدیجه و آسیه. این نص صریحی است بر فضیلت حضرت خدیجه بر عائشه و غیر عائشه از همسران پیامبر (مثل حفصه و ام سلمه و ام حبیبه) و قابل توجیه هم نیست.
- طبرانی در کتاب معجم خود گوید: ۱۳۲ - حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَضْلِ الْأَسْفَاطِيُّ، ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، حَدَّثَنِي أَخِي، عَنْ شَلِيمَانَ بْنِ بِلَالٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ، «أَنَّ نِسَاءَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُنَّ حُزْبَيْنِ: حُزْبٌ فِيهِ: عَائِشَةُ، وَحَفْصَةُ، وَصَفِيَّةُ، وَسُودَةُ، وَحُزْبٌ فِيهِ: أُمَّ سَلَمَةَ وَسَائِرُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (المعجم الكبير ج ۱ ص ۵۱)
- زنان پیامبر اکرم دو حزب بودند؟ يك حزب به سرکردگی عائشه و حفصه، و حزب دیگر در آن ام سلمه و سائر زنان پیامبر. صلی الله علیه و سلم. بودند حکومت‌ها از حزب عائشه حمایت می‌کردند.

خدیجه

خدیجه‌ی کبری علیها الصلاة والسلام در آغاز اسلام ایمان آورد؛ بزرگترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله و بزرگوار انجام داد، اول مؤمن به اسلام او بود، بعد هم همه‌ی ثروت خود را در راه دعوت اسلام و ترویج اسلام خرج کرد، و تأثیر این کار را کسانی می‌دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمکهای مالی را به مبارزین تجربه کردند. که اگر کمکهای خدیجه علیها السلام نبود شاید در حرکت اسلام و پیشرفت اسلام یک اختلال و وقفه‌ی عمده‌ای به وجود می‌آمد. بعد هم با رسول خدا و همه‌ی مسلمین به شعب ابی طالب تبعید شدند و چند سال، دو-سه سال زندگی دشوار و طاقت‌فرسا را در آن جا تحمل کردند و در همان شعب ابی طالب هم دعوت حق را لبیک گفت و در حال تبعید از دنیا رفت.